



## نگاهی به دیوان حافظ به تصحیح و تطبیق ضیاءالدین ترابی

دکتر احمد ابومحجوب\*



کمتّر شاعری در جهان این توفیق را داشته است که در دل و جان و روح ملّتی - دقیقاً «ملّتی» - آن چنان آشیانه کند که آن ملّت در تصمیم‌گیری‌های مهمّ زندگی، با شعر او مشورت کند و فال بزند؛ در شادی و در جشن و سرور، شعر او را بخواند؛ در سوگواری، کلام او را زمزمه کند؛ در شب‌های مقدّس ملّی خود، مانند یلدا و نوروز، بدان متوسّل شود و کلام او را به میان جمع خود بیاورد؛ او را «زبان غیب» بنامد و به وسیله او با جهان غیب رابطه برقرار کند؛ ترانه‌ها با شعر او بیافریند و برایش افسانه و اسطوره بسازد.

به واقع، حافظ را از این دید باید یکی از اعجوبه‌های شگفت‌انگیز ادبیات جهان دانست. حافظ به گونه‌ای شگفت‌آور، با ظنّ هر کسی - هر ایرانی - یار می‌شود و در دل او رسوخ می‌کند. کدام ایرانی است که به حافظ عشق نورزد، مگر اینکه کلامش را نخوانده و حس نکرده باشد؟ اندوه او، اندوه ملّت ماست و شادی او، شادی ملّت ما؛ این است که دیوان او خانه همه ایرانیان را تسخیر کرده است.

حدود ۸۰ سال است که همواره در ایران درباره حافظ پژوهش می‌شود؛ دیوانش تصحیح می‌شود، اشعارش نقد و تفسیر می‌شود و چاپ‌های متعدّد از دیوانش به بازار می‌آید و هنوز جست‌وجو درباره اصل کلام او، برای نزدیک‌تر شدن به سخن او ادامه دارد. وسعت حافظ آن چنان به نظر می‌رسد که گویی هرگز این جست‌وجوها پایان نخواهند پذیرفت و هرگز هیچ‌کس حرف آخر را نخواهد زد.

اخیراً دو چاپ انتقادی از دیوان حافظ به بازار کتاب عرضه شده است، که هر دو نیز به گونه‌ای ره‌گشا هستند و بخشی از تاریکی‌های راه را روشن می‌سازند. هر گونه پژوهشی در راه حافظ، غنیمت است و چه بسا گوشه‌ای تاریک را در پرتو بگیرد. به هر روی، یکی از این چاپ‌ها به کوشش علی

\*دیوان حافظ

\* تطبیق و تصحیح: ضیاءالدین ترابی

\* چاپ اول، تهران: نشر چاپار، ۱۳۸۷

چکیده

یکی از چاپ‌های دیوان اشعار حافظ، چایی است که در سال ۱۳۸۷ توسط آقای ضیاءالدین ترابی، شاعر معاصر، منتشر شده است. این چاپ از دیوان، بر اساس نسخه‌ای از دیوان حافظ صورت گرفته که در سال ۸۴۲ هـ ق کتابت شده است. نویسنده مقاله، این چاپ را معرفی کرده و برخی نکات اصلاحی را نیز یادآور شده است.

واژه‌های کلیدی: حافظ، ضیاءالدین ترابی، تصحیح متن.

فردوسی و بر اساس نسخه خطی سال‌های ۷۹۱ و ۷۹۲ است. این نسخه - که آقای خزمشاهی قدری نسبت بدان بی‌مهری ورزیده‌اند - در آخرین سال زندگی حافظ نگاشته شده و شامل ۴۹ غزل و یک تکبیت، و بدون رعایت تنظیم الفبایی قافیه است.

چاپ دیگر، به کوشش و تصحیح و تطبیق آقای ضیاءالدین ترابی و بر اساس نسخه سال ۸۲۲ - سی سال پس از مرگ حافظ - طویقاپوسرای و شامل ۴۴۰ غزل و به کتابت جعفر الحافظ است. نسخه‌های قدیم‌تر از این، معمولاً تعداد غزل‌های بسیار کمتری دارند و اغلب دیوان کامل نیستند - همچون نسخه علاء، به کوشش علی فردوسی -؛ تنها نسخه‌های سال ۸۱۳ دارای ۴۵۵ غزل و نسخه سال ۸۱۸ دارای ۴۱۵ غزل و یک نسخه دیگر از سال ۸۲۲ دارای ۴۴۲ غزل هستند، که مبنای تصحیح مرحوم دکتر خانلری قرار گرفته‌اند. نسخه سال ۸۰۳ نیز، که اساس کار سیدصادق سجادی و علی بهرامیان قرار گرفته، دارای ۴۰۷ غزل است. بنابراین، نسخه اساس چاپ آقای ضیاءالدین، یکی از نسخه‌های قدیم کامل است که به ما رسیده است. انتشار چنین نسخه‌هایی، کمک فراوانی به شناخت دقیق تر شعرهای حافظ می‌کند.

چاپ آقای ترابی بر اساس همین نسخه و با تطبیق و مقایسه با چاپ‌های معتبر دیگر از حافظ انجام گرفته است. ساختار کتاب شامل یک مقدمه و ۳ فصل است. در مقدمه، شیوه کار و نقد و معرفی نسخه خطی آمده است. فصل اول، غزلیات حافظ را ارائه می‌کند؛ البته در این فصل، قصیده‌ها و مثنوی‌های حافظ و رباعیات او آورده نشده؛ زیرا در اصل، نسخه خطی موجود نبوده است؛ مقدمه «گل اندام» نیز در آغاز دیوان موجود نیست؛ همچنین چند قطعه کوتاه و بلند که در نسخه‌های دیگر هست، اینجا نیامده است. در واقع، این مجموعه، به طور خاص، تنها غزلیات حافظ را در بر دارد.

فصل دوم به نام «دیوان تطبیقی حافظ»، گردآوری بیت‌هایی است که در تمامی نسخه‌ها به طور یکسان و بدون هیچ گونه اختلافی ثبت شده و می‌توانند بدون هیچ گونه تردیدی، دلالت بر اصالت داشته باشند، و چنان که مصحح محترم می‌گوید: «همین تعداد ۵۶۰ بیت سالم باقی مانده از شاعر بزرگی چون حافظ، کافی است تا بتوان در مورد سبک، زبان بیان و نیز دید و جهان شاعر به بحث و گفت‌وگو پرداخت» (ص ۱۰). بنابراین، بیت‌های دست‌نخورده حافظ یکجا در این فصل ارائه شده‌اند. البته گمان می‌کنم در صفحه ۴۹۳، غزل شماره ۲، یک اشتباه چاپی است که «شما» در مصراع دوم به جای «کجا» آمده است: «کجا رویم بفرما از این جناب شما!»

فصل سوم، «تعلیقات» نام دارد که شامل ۶ فهرست و ۲ کشف‌الابیات است: فهرست بیت‌های کامل اضافی بر نسخه

قزوینی - غنی، فهرست مصراع‌های کامل مغایر با نسخه قزوینی - غنی، فهرست مصراع‌های کامل اصلاح‌شده بر اساس نسخه قزوینی - غنی، فهرست واژه‌ها و ترکیب‌های اصلاح‌شده بر اساس نسخه قزوینی - غنی، فهرست واژه‌ها و ترکیب‌های متفاوت با نسخه قزوینی - غنی، ولی مطابق با یک یا چند نسخه دیوان حافظ، فهرست واژه‌ها و ترکیب‌های متفاوت با نسخه قزوینی - غنی دیوان حافظ، کشف‌الابیات (بر اساس حرف اول مصراع اول غزل‌ها)، کشف‌الابیات (بر اساس حروف قافیه).

این نسخه، به گفته مصحح محترم، به نظر می‌رسد که با نسخه قزوینی - غنی بسیار نزدیکی داشته باشد و اغلب موارد ضبط قزوینی - غنی را تأیید می‌کند؛ اما به گمان من، به هیچ وجه امکان ندارد هر دو از دست خطی واحد استفاده کرده باشند. تفاوت‌های عمده‌ای بین آنها مشاهده می‌شود. در این نسخه ۱۰ غزل وجود دارد که در نسخه قزوینی - غنی نیامده است؛ در مقابل، ۱۰ غزل در نسخه قزوینی - غنی هست که در این نسخه نیامده است و مصحح آنها را بدون دخل و تصرف، از چاپ قزوینی - غنی در این چاپ نقل کرده است. شماره این غزل‌ها در مقدمه ذکر شده تا خواننده بتواند به طور مستقل به آنها رجوع کند.

فهرست‌هایی که در فصل سوم داده شده، بسیار سودمند است و کمک فراوانی به پژوهشگران می‌کند تا دقیقاً تفاوت‌ها و خوانش‌های دیگر را به دست آورند؛ اما باید گفت که گاهی این فهرست‌ها در تعیین و شناخت سریع نسخه‌بدل‌ها و تفاوت‌ها مشکل ایجاد می‌کنند. ارائه چنین فهرست‌هایی، اساساً کار و ابتکاری جالب است؛ اما ممکن است بدین صورت، در ضمن خواندن متن و مقایسه، دشواری‌هایی ایجاد کند؛ مثلاً برای دریافت تفاوت نسخه‌ها، باید در چند فهرست در پایان کتاب جست‌وجو کرد تا یک تفاوت را به دست آورد و نیز اینکه بفهمیم اصلاً تفاوتی وجود دارد یا نه! این امر، بویژه در فهرست‌های شماره ۴ و ۳ و ۶ به چشم می‌خورد؛ مثلاً اگر بخواهیم بدانیم در یک بیت اصلاً کلمه «عشق» بدلی دارد یا نه، و در صورت وجود داشتن، آن بدل‌ها چه و چگونه هستند، باید هر سه فهرست را - گذشته از فهرست‌های ۱ و ۲ و ۳ - ببینیم؛ هر چند که جست‌وجو در فهرست‌های ۱ و ۳ نیز لازم است. این امر باعث نوعی سردرگمی می‌شود؛ مگر اینکه در هنگام خواندن، فقط به متن چاپی نظر داشته باشیم و به جنبه‌ها و شکل‌های دیگر اصلاً توجه نکنیم. این مسئله، لزوم تهیه یک فهرستواره جامع از نسخه‌بدل‌ها را نشان می‌دهد که یکجا بتوان به آنها دسترسی داشت.

از این نظر، چندین مورد به هر حال وجود دارد که به نظر می‌رسد از دید فوت شده و امید است که در چاپ‌های بعدی اصلاح شوند؛ از جمله اینکه برخی بدل‌ها و تفاوت‌ها که قاعدتاً باید در فهرستواره‌ها آورده می‌شدند، ذکر نشده‌اند. من چند نمونه از



آنها را یاد می‌کنم؛ ممکن است برخی از آنها اشتباه چاپی هم بوده باشند:  
- در صفحه ۳۳، بیت:

ای دل، شباب رفت و نچیدی گلی ز عشق  
پیرانه‌سر مکن هنر ننگ و نام را

آمده است که در نسخه قزوینی - غنی، گذشته از کلمه «عیش» در مصراع اول، کلمه «هنری» در مصراع دوم آمده و تفاوت آن با متن آقای ترابی به خوبی هویداست. در متن فردوسی، مصراع اول همان گونه است؛ اما مصراع دوم به صورت: «پیرانه‌سر بکن هوسی ننگ و نام را» آمده است. صرف نظر از اینکه کدام یک درست‌تر و بهتر است، به هر روی، سه شکل مختلف دیده می‌شود؛ اما تفاوت آن در فهرستواره‌ها نیامده و معلوم نیست که «هنر» (بدون «ی») اشتباه چاپی است یا نسخه‌بدل! اگر نسخه‌بدل باشد، به گونه‌ای توجیه‌پذیر است.

- غزل ۹ در صفحه ۳۵ نیز همین وضع را دارد و تفاوت مصراع «هر که را جایگه آخر نه که مشتتی خاک است» با متن قزوینی - غنی در فهرستواره‌ها نیامده است.

غزل ۱۰ در صفحه ۳۶ بیتی دارد بدین شکل:  
بگرفت همچو لاله دلم در هوای سرو  
طوبی نهال قد صنوبر خرام ما

که باز هم اختلاف آن با نسخه‌های دیگر و قزوینی - غنی در هیچ یک از فهرستواره‌ها ذکر نشده است؛ اگر چه خود همین بیت نیز چندان درست و مفهوم به نظر نمی‌رسد و بین دو مصراع آن پیوندی وجود ندارد! این بیت در نسخه قزوینی - غنی بدین صورت است:

چندان بود کرشمه و ناز سهی قدان  
کاید به جلوه سرو صنوبر خرام ما

- در صفحه ۵۹۳، شماره غزل ۶ برای «خوش قدحی» و «از» داده نشده، که اشتباه است و باید شماره ۷ نوشته شود.

- در صفحه ۵۷۵ درباره غزل شماره ۱۱، متن قزوینی - غنی به صورت «مجموع‌ها» آورده شده، که غلط است و باید «مجموع ما» باشد؛ گویا غلط چاپی است.

نمونه‌های دیگری نیز از این دست وجود دارد که در چاپ‌های بعدی دقت بیشتری را برای اصلاح می‌طلبید.

نکته دیگر مربوط به رسم الخط و نگارش است؛ کاش مصحح محترم توضیحی درباره شیوه نگارش و رسم الخط نسخه خطی به دست می‌داد؛

زیرا نوعی نایکدستی در ویراستاری متن به چشم می‌خورد. گاهی ممکن است ناهمخوانی‌های نگارشی مربوط به رسم الخط

متن اصلی باشند؛ در این صورت، توضیح لازم دارد؛

اما گاهی ممکن است مربوط به ناشر و ویراستار باشد - شامل آیین

سجاولندی - که در این صورت جای بحث دارد و من فقط دو نمونه را ذکر می‌کنم:

- «... از سبک و زبان حافظ بود. که در پی ...» (ص ۱۰). کاملاً هویداست که نقطه پایان جمله پس از «بود» نایجاست.

- «... متأسفانه با مراجعه به نسخه‌های مختلف متوجه خواهیم شد. دست کم شش مورد...» (ص ۶). چنین اشتباهاتی که یا مربوط به چاپ و یا مربوط به ویراستاری و نمونه‌خوانی است، خواندن متن را با گونه‌ای گسست رویه‌رو می‌کند.

از اینکه بگذریم، نکته دیگر مربوط به ضمیر پیوسته «ش» است که در متن غزل‌ها فراوان به چشم می‌خورد:

- به یکی جرعه که آزار کس‌اش در پی نیست (ص ۲۳).

- ز تاب جعد مشکین‌اش چه خون افتاد در دل‌ها (ص ۲۷).

موارد متعددی در متن وجود دارد که این ضمیر به صورت «اش» جدا و گسسته نگاشته شده است؛ اما موارد نگارشی از گونه پیوسته:

- من به گوش خود از دهانش دوش (ص ۲۹۲).

- دوش سودای رُخس گفتم ز سر بیرون کنم (ص ۲۴۶).

معلوم نیست که این دوگانگی مربوط به رسم الخط کاتب است یا اشتباه و عدم دقت ویرایشی!

درباره جدا نوشتن این ضمیر، اگر مربوط به ویرایش باشد، معلوم نیست از کدام منطق نگارشی پیروی می‌شود! هر چه باشد، این گونه نگارش از نظر خط فارسی درست نمی‌نماید و الفی که پیش از «ش» نگاشته شده، کاملاً نادرست است. نمی‌دانم چرا برخی ویراستاران این بلا را بر سر ضمیر «ش» می‌آورند، اما با «-م» و «-ت» و «-ی» و «-مان» و «-تان» و «-شان» کاری ندارند! مگر اینها چه تفاوتی با آن ضمیر دارند؟! مثلاً:

من نه آن رندم که ترک شاهد و ساغر کنم (ص ۳۴۲)

چرا به صورت «رندام» نوشته نشده است؟ بهتر است در چاپ‌های آینده، این جنبه اصلاح گردد و ناشر، ویرایش آثار ارزشمندی مثل این کتاب را جدی بگیرد؛ هر چند این نکته‌ها از ارزش کار مصحح و زحمات وی نمی‌کاهد. تصحیح یک متن به صورت انتقادی و در مقابله با نسخه‌های دیگر، کاری طاقت‌فرساست و نیرو و زمان فراوانی را می‌برد. این اثر نیز چنین است و بدون تردید، سال‌های متمادی زحمت و تلاش مصحح را پس‌پشت دارد.

این کتاب، بدل دیگر و تازه‌ای است از دیوان حافظ و راه‌گشای حافظ‌پژوهان، تا به شناخت بیشتر شعر حافظ و کلام و اندیشه و زبان او دست یابیم. با آرزوی توفیق برای مصحح زحمتکش.

پی نوشت

\* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد

